

## صدای خون

## نگاهی به مجازات اعدام در سینما با محوریت فیلم مستند «خط باریک آبی»

احمد محمدکرمی<sup>\*۱</sup>

۱. کارشناسی کارگردانی نمایش، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

نظام قضایی تعریف شده است، در مرحله قضاوت به حبس ابد تقلیل می‌یابد. آمریکا تنها کشور غربی است که در ۳۱ ایالت آن احکام اعدام هنوز صورت می‌گیرد، از سال ۱۹۷۶ تا کنون ۱۴۰۰ نفر را اعدام کرده است و رتبه هفتم را بین کشورهای جهان دارد. چین با رقم هر سال یک هزار اعدام پیش‌تاز و رتبه اول این رکورد سیاه است. در ۱۹۷۶ کمی از نیمه‌شب گذشته پلیس رنگین پوستی در بزرگراهی در تگزاس هدف تیراندازی قرار می‌گیرد و کشته می‌شود. کم‌تر از یک ماه بعد پلیس ضارب را پیدا کرده و به شهادت دوست ضارب، چند شاهد خیابانی و همکار پلیس مقتول برای *رندال/آدام تقاضای اشد مجازات* یعنی اعدام را در نظر گرفته است. این آغاز یکی از تکان دهنده‌ترین فیلم‌های جهان به نام *خط باریک آبی*<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، به کارگردانی *ارول موریس*<sup>۲</sup> یکی از چهل کارگردان تأثیرگذار به نقل از *مجله سائیت/اند سلوند*<sup>۳</sup> است. مستندی دیدنی که توسط کارگردانی ساخته شده که پیش از ورود به حرفه سینما کارآگاه خصوصی بوده و اطلاعات فیلم را همچون مراحل تحقیق و بازپرسی قطعه قطعه بر روی دیوار نقره‌ای سینما سوزن می‌کند تا در پایان فیلم بیننده با کمی عقب کشیدن و دیدن تمام قطعات پازل به *اعترافی* برسد که

به همین جهت قابیل که حسادت در او برانگیخته شده بود، پس از صحبت با هابیل، او را در صحرا کشت. سپس خدا از او پرسید: «برادرت کجاست؟» قابیل پاسخ داد: «نمی‌دانم؛ مگر من محافظ برادرم هستم؟» خدا گفت: «چه کردی؟ بشنو که خون برادرت از روی زمین به سمت *من فریاد می‌کشد*» (تورات، سفر پیدایش، باب چهار).

لحظات اولین قتل انسان پس از تاریخ، این‌گونه روایت می‌شود: قاتل در بارگاه یهوه قتل را گردن نمی‌گیرد و یهوه که دانای کل است قابیل را به تبعید می‌فرستد. نخستین سند تدوین شده رسمی به‌جامانده در مورد اعدام، به هجده سده پیش از میلاد مسیح و حکومت حمورابی، شاه بابل، باز می‌گردد که برای ۲۵ جرم، مجازات اعدام در نظر گرفته است. (بادامچی، ۱۳۹۲). در یونان باستان نیز از مجازات اعدام جهت مجازات جرائمی چون آدم‌کشی، خیانت و تجاوز به‌طور گسترده استفاده می‌شد. از سال ۲۰۱۵ نیمی از کشورهای جهان مجازات اعدام را به کلی منسوخ کردند و در مواقع بسیاری با اینکه این مجازات در

هیچ کدام از متهمان این فیلم به زبان نیاوردند و آن اشتباهات بی شمار پلیس و شاهدان است. نیروی پلیس آمریکا ممکن است در مورد خیلی از جرایم سهل گیری کند یا با در نظر گرفتن جریمه های آموزشی چهره برادر بزرگ تر را برای مجرمان بازی کند اما در مواردی که قربانی از خانواده پلیس باشد، نه تنها سخت گیر است بلکه تا مرز جنون نیز پیش می رود. فیلم های زیادی در مورد اشتباهات پلیس در آمریکا و دیگر کشورها ساخته شده که قربانی به اشتباه اتهامی را گردن گرفته تا زمانی که یک وکیل، یا روزنامه نگار جسور به داد او رسیده و ناعدالتی را افشا کرده است. اما زمانی که پای اعدام وسط باشد فرصتی برای جبران باقی نمی ماند. در سریال پری میسون<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) به این موضوع پرداخته می شود که پلیس، شهردار و دیگر ذینفعان دست به دست هم می دهند تا دو جوان مکزیکی به اتهام قتل اعدام شوند، تا افکار عمومی را از منجلا ب قاجاق و فساد که تمام شهر را فرا گرفته، دور کنند. اما فیلم خط آبی مرگ از زاویه های دیگر به جنون قانونی گرفتن جان انسان ها می پردازد. ارول موریس در این مستند با ذکاوتی مثال زدنی بیش از آن که به جرم بپردازد، به آدم های پس از جرم می پردازد. از پلیس های عصبانی که صرف زدن اتهام را به معنای حکم می دانند تا شهود و هیات منصفه و قاضی که متأثر از جو حاکم بر افکار عمومی توان سوی حقیقت دیدن را از دست داده اند. در طول فیلم هرگاه مسئولان پرونده در مورد روند رسیدگی به اتهامات رندال صحبت می کنند، پروسه بازجویی و نوشتن اعتراف توسط متهم را شبیه جلسه ای با اعضای خانواده برای یک کودک ۱۰ ساله جلوه می دهند اما دوربین کنجکاو کارگردان بالاخره رندال را در فضایی امن قرار می دهد تا بگوید بر او در ۳۶ ساعتی که در بازداشت پلیس بوده، چه گذشته است. فیلم سرشار از جزئیات تکان دهنده انسانی است اما اینجا انسان نه مثابه موجودی دارای اخلاق و قابل اعتماد، بلکه نوع پلیدی از نوع بشر را معرفی می کند که در مواجهه با حقیقت کوری را انتخاب می کند. حتی اگر پای جان انسان دیگری در میان باشد! ۱۲ سال بعد از واقعه دوربین موریس به سراغ شهود می رود. یکی از شاهدان از ترس اینکه پلیس به همسرش بگوید که آن شب با زن دیگری بوده، حاضر به شهادت علیه آدام شده بود. ولی بار اصلی چرخش نظر هیات منصفه برای مجازات مرگ توسط دادستان و یکی از شهود به نام جکی است. جکی با چنان جزئیاتی لحظه حادثه را در دادگاه علیه آدامز ارائه می دهد و چنان قلیان احساساتی را برای هیات منصفه به نمایش می گذارد که تأثیر آن حتی زمانی که گروه وکلای مدافع به چندین سند از همسایگان جکی در مورد پارانوئید بودن او، اینکه شب حادثه در بار بوده و حتی سند اینکه یک هفته بعد از حادثه دخترش به طور ناگهانی از بازداشتگاه پلیس آزاد شده و بعد جکی برای شهادت اعلام آمادگی کرده بود را نادیده گرفتند تا براساس

شهادت شهروند خوب مجازات اعدام را در نظر بگیرند. ۱۲ سال بعد از دادن حکم دادگاه آدام، ارول موریس با جکی در اتاقی نشسته است و از او می خواهد در مورد شب حادثه توضیح دهد و جکی بعد از مونولوگ غرا که در مورد وظایف شهروندی و ارادتش به قانون می کند، دوباره جزئیات را یادآوری می کند. بعد از ۱۲ سال بدون جا انداختن یک او! در فیلم زندگی دیگران<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) سکانس ابتدایی فیلم مسئول آموزش بازجویی به دانشجویان گشتاپو یاد می دهد که وقتی کسی فارغ از مدت زمان، شکنجه، نخوابیدن و دیگر عارضه ها تنها یک چیز را تکرار کند، این نشان می دهد جملاتش کاملاً از پیش تعیین شده و تمرین شده است. همسر جکی بارها به دوربین موریس در مورد دیوانگی های زنش هشدار می دهد، همسایه جکی که به دادگاه رفته تا به هیات منصفه بگوید او زن نرمالی نیست و هرگز حرف راست نمی زند، از طرف جامعه طرد می شود و مسئول باری که شب حادثه با جکی بوده به دادستان و وکلای مدافع می گوید که جکی فردای حادثه اعتراف کرده «اگر من شاهد این جنایت بودم پول خوبی به جیب می زدم.» پلیس برای شهادت شهروندان مبلغ ۱۲ هزار دلار در نظر گرفته بود به علاوه آزادی سریع دختر جکی از بازداشتگاه شهر همسایه به ازای شهادت علیه آدام! شهادتی که جریمه اعدام را در چشم هیات منصفه و قاضی توجیه کند. دادستان این پرونده نیز لحظه ای برای مخدوش کردن مدارک و سنگ اندازی جلو وکلای مدافع بیکار نمی ماند. وکیل مدافع آدام بعد از ۱۲ سال از حکم آدام روبه روی دوربین موریس تعریف می کند وقتی به صورت مخفیانه به شهر وقوع حادثه رفته بودیم، صبحی که از هتل بیرون آمدیم تمام شهر هویت ما را می دانست چون دادستان به شهردار شهر گفته بود: «وکلای قاتل پلیس برای بی آبرو کردن شهروندان شهر تو به آن جا آمده اند.» از دیگر لحظات ناب این مستند هولناک، لحظه ای است که قاضی پرونده به ناخوانی مدارک پرونده اذعان می کند اما جمله ای می گوید که در تضاد با تمام چیزهایی است که قضات برای آن قسم خورده اند. او می گوید در طول سال های قضاوتش هرگز تحت تأثیر بیانات و اشک ها و فریادها قرار نگرفته است، اما برای اولین بار وقتی دادستان در پایان کیفرخواست خود از همه خواست «بگذارید خط آبی (تمثیلی از نور آبی ماشین های پلیس) مرزی بین امنیت شهروندان و مهاجران باشد» اشک در چشمانش جمع شده است. زمانی که جامعه در سایه سپهر پنهان قداست زندگی می کند و مفاهیمی چون شهروند خوب، مهاجر، دردرساز و ... برچسب هایی برای قضاوت سریع

۱۲ سال انتظار برای نشستن ابدی بر صندلی الکتریکی، پس از اکران فیلم «خط باریک آبی» بی‌گناهی‌اش ثابت شد، کسی قبول نمی‌کرد که سیستم قضایی و انتظامی تگزاس نیازمند به تغییر است، اما امروز پروژه «دربندان بی‌گناه» پرونده بسیاری از محکومین به قتل را مجدد مورد بررسی قرار داده است (جاهد، ۱۴۰۱). یک سال بعد از اکران فیلم خط باریک آبی درخواست عمومی برای بررسی مجدد پرونده‌های مربوط به حکم اعدام آدامز به جریان افتاد و دادگاه ایالتی بعد از بررسی قرار مجرمیت را برداشت و رندال بعد از ۱۲ سال آزاد شد. دادستان کل و همکار پلیس (تنها شاهد شب حادثه) هرگز حاضر به مواجهه با دوربین موریس نشدند و رئیس پلیس وقت نیز حتی بعد از شبه‌اعتراف قاتل اصلی به قتل پلیس، حاضر به پذیرفتن اشتباهات بسیار خود در روند رسیدگی به این پرونده نشد. از سال ۲۰۰۰ تاکنون قضات آمریکایی بیش از چهارصد زندانی محکوم به حبس ابد یا اعدام را با بررسی مجدد پرونده‌ها، از احکام سنگین رها کرده‌اند. همان‌طور کتب ادیان ابراهیمی آمده است: «قتل یک نفر مساوی است با کشتن همه انسان‌ها» و زمانی سیستم قضایی و انتظامی به دور از حقیقت تنها با در نظر گرفتن سرعت، خودنمایی در توانمند جلوه دادن خود یا وحشت از مواجهه با حقیقت بزرگتر، حکم به اعدام متهمی بدهند، حکم به قتل همه انسان‌ها داده‌اند. بیننده هوشیار و دغدغه‌مند پس از دیدن چنین فیلم‌هایی شانس این را دارد تا پیش از عادت کردن چشم‌هایش به سایه دروغ‌هایی چون سپهر مقدس‌نمای پلیس یا بری بودن قوه قضاییه از اشتباه یا شهروندان همیشه صادق، به آفتاب حقیقت سلامی دوباره کند. چرا که برای اجرای حکم همیشه وقت هست اما برای یافتن حقیقت، نه! ارتباط مخاطب و سینما از همین مرز باریک نقره‌ای عبور می‌کند و فیلم‌هایی که به آن‌ها اشاره شد شاخص‌جستن و یافتن حقیقت از دل رویدادهای به ظاهر معمولی است که هر روز شاهدش هستیم.

#### پی‌نوشت

1. The Thin Blue Line
2. Errol Morris
3. Sight & Sound
4. perry mason
5. Las Leben der Anderen (The Lives of Others)
6. To Kill a Mockingbird
7. Dancer in the Dark
8. Lars Von Trier
9. Dead Man Walking
10. Monster
11. Aileen Wuornos
12. Standard Operating Procedure

می‌شود حتما شاهد این‌گونه بی‌عدالتی‌ها خواهیم بود. فیلم کشتن مرغ مقلد<sup>۶</sup> (۱۹۶۲) روی همین لحظه حساس دست می‌گذارد و پس از قتل دختر سفید پوست شهری که در فقر و فلاکت به سر می‌برد، برای بازگرداندن توهم شرافت و قداست جامعه‌ای که حقایق زندگی روزمره‌اش را نمی‌بیند، برای اعدام هرچه‌زودتر یک سیاه‌پوست هم‌صدا می‌شود. فیلم روایت‌گر جامعه‌ای درمانده در ارزش‌ها و تفاخرهای احمقانه و کوتاه‌فکرانه نژادی است. مردمی که تحت هیچ شرایطی تفاوت رنگ‌ها و مرزها را فراموش نمی‌کنند، حال آن که کمرشان زیر بار بی‌پولی در حال خرد شدن است اما کشتن مردی سیاه‌پوست برایشان مهم‌تر از آن است که فکری به حال بهبود اوضاع زندگیشان نکنند. پلیس، قوه قضاییه و شهروندان خوب برای دفاع از این اصول و آرمان‌های برساخته برای شهر ایده‌آل چنان شهوتی دارند که نه تنها آب را گل‌آلود می‌کنند بلکه توانایی خشکاندن چشمه حقیقت را نیز دارند با مجازات اعدام! زمانی که محکومی اعدام می‌شود دیگر فرصتی برای دفاع یا توضیح یا اعتراف نخواهد داشت. برای این‌که بعد از وقوع حادثه، ذهن الکن به نسبت توانمندی‌های زیستی مهلتی را نیاز دارد تا توانایی به زبان آوردن حقیقت و دفاع از انگیزه‌هایش را داشته باشد؛ موقعیتی شبیه به فیلم رقصنده در تاریکی<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) ساخته لارس فون تریه<sup>۸</sup>. متهم، حتی اگر واقعا متهم باشد و حتی اگر مجازاتش مرگ باشد، پس از فهمیدن و درک این موقعیت، زمانی را پیدا می‌کند تا به خودشناسی بپردازد و این مهم برای گام‌های بعدی سیستم انتظامی و قضایی بسیار اهمیت دارد چرا که فرد می‌تواند صادقانه‌تر و آزادانه‌تر در مورد وقوع جرم با مسئولین زیربط سخن بگوید و روشنایی باشد برای کسان دیگری که در موقعیت او هستند و ممکن است در آینده آن جرم را در موقعیت مشابه تکرار کنند. فیلم راه رفتن مرد مرده<sup>۹</sup> (۱۹۹۵) که در ایران به نام آخرین گام‌های یک محکوم به اعدام شناخته می‌شود به این مهم اشاره دارد. در فیلم هیولا<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) که براساس قتل‌های زنجیره‌ای آیلین ورنوس<sup>۱۱</sup> ساخته شده، کارگردان آینه‌ای در برابر جامعه می‌گذارد تا نشان دهد چه‌طور با انگ و تبعیض و سواستفاده از یک دختر در طول ۲۰ سال او را تبدیل به یک هیولای وحشی کرده‌اند که به جز قتل، کار دیگری برای دفاع از خود نمی‌تواند انجام دهد. ارول موریس در مصاحبه‌ای به مناسبت فیلم روند عملیاتی استاندارد<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸) که در مورد زندانیان ابوغریب بود در پاسخ به این سؤال که آیا فیلم مستند می‌تواند جهان و واقعیت را تغییر دهد می‌گوید: شما با کسی حرف می‌زنید که این شانس را داشته که با فیلمش بتواند واقعیت را تغییر دهد. وقتی رندال بعد از

## منابع

کتاب مقدس.

بادامچی، حسین (۱۳۹۲). قانون حمورابی، تهران: نگاه معاصر.  
جاهد، پرویز (۱۴۰۱)، فیلم مستند می‌تواند واقعیت را  
تغییر دهد/ گفت‌وگو با ارول موریس، مستندساز آمریکایی:  
<https://cine-eye.net/featured/%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85-%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF-%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%AF-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D8%B1%D8%A7-%D8%AA%D8%BA%DB%8C%DB%8C%D8%B1-%D8%AF/>  
.(10/03/1402